



اثر تغییر نرخ برابری ریال در اقتصاد کشور

غلامرضا محلوچی

مقدمه :

در حال حاضر اقتصاد ما بعلل مختلف از جمله جنگ دچار عدم تعادل است. این عدم تعادل بصورت‌های مختلف در جریان‌ات اقتصادی اجتماعی کشور اثر گذاشته و در نتیجه دولت و مسئولان مملکتی را وادار کرده است که تصمیمات مقتضی جهت رفع اثرهای نا - مطلوب آن اتخاذ نمایند .

در چنین مواقعی که اتخاذ تصمیماتی در جهت رفع مشکلات ضروری بنظر می‌رسند ، ممکن است بعلت تعجیل و عدم بررسی کلیه جوانب امر اشتباهات غیر قابل جبرانی بروز نماید . یک مورد از این موقعیتهای حساس هم اکنون پیش آمده است . بدلیل بدهی زیاد دولت به بانک مرکزی و کاهش دریاقت‌های ارزی ورکود و بیکاری و غیره و سوسه‌تنزل ارزش ریال می‌تواند موثر واقع شده و ناخواسته تصمیمات ناصحیحی در این مورد گرفته شود . بنابراین بهتر است تحقیقاتی در این مورد انجام پذیرد . بهمین دلیل است که این موضوع در اینجا مورد بحث قرار گرفته است . ولی باید توجه داشته‌که این بررسی کوتاه کافی نبوده و بهتر آنست که بررسیهای عمیق تری در این مورد انجام شود .

روش تحقیق در این بررسی برکنکاش در رابطه با الگویی که از اقتصاد ساخته شده نهاده شده است . همانطور که می‌دانیم امروزه کاربرد مدلهای در بررسی و تحقیقات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در کلیه امور بخصوص وقتی اثر تصمیماتی که باید اتخاذ گردد مهم و غیر قابل برگشت می‌باشد ، آزمون آنها قبل از اجرا بر مدلهای کوچک ساخته شده اهمیت بیشتری پیدا میکند .

نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که علیرغم بالا رفتن شاخص نظری قدرت خرید پول ملی نسبت به سال ۱۳۵۳ (سال پایه) ، که مبین از دست رفتن قدرت خرید ریال در مقابل دلار می‌باشد ، با این وجود کاهش ارزش ریال در موقعیت کنونی اقتصادی کشور صحیح

۱ - مراجعه شود به :

" مسئله تعدیل حسابهای دنیای خارج " تهیه شده توسط غلامرضا محلوچی اداره -

حسابهای اقتصادی بانک مرکزی مهرماه ۱۳۶۵ .

نبوده و نتایج عکس بهار می آورد. البته در شرایط مساعدتر تنزل مناسب نرخ برابری پول ملی می تواند (بخصوص هنگامیکه عدم اشتغال و بیکاری در اقتصاد وجود دارد و دولت از صادرات و ورود سرمایه به کشور حمایت می کند) بسیار مفید واقع شود.

الگوی جهت بررسی تغییر ارزش برابری ربا و نتایج حاصله

الف - تعریف متغیرهای مدل :

برای نشان دادن متغیرهای مدل از حروف زیر استفاده می کنیم :

Y	تولید ناخالص داخلی
C	مصرف خانوارها
I	سرمایه گذاری ناخالص داخلی
G	هزینه های عمومی دولت
X	صادرات
M	واردات
C_x	خروج سرمایه (ارز)
C_m	ورود سرمایه (ارز)
R	سطح ذخایر ارزی در اقتصاد

ب - مفروضات مدل :

- ۱ - فرض می کنیم که اشتغال عوامل تولید در اقتصاد ناقص است. (اعم از بیکاری نیروی کار و یا عدم استفاده از ظرفیتهای موجود).
- ۲ - تغییر سطح قیمتها چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی با مقاومت روبرو می شود بطوریکه: رسیدن به تعادل فقط از طریق بالا بردن مقدار تولیدات و خدمات مختلف امکان پذیر می باشد.
- ۳ - تابع سرمایه گذاری یعنی I بعقل اقتصاد بدون ربا و عدم امکان استفاده از ابزار نرخ بهره در رسیدن به تعادل به صورت یک متغیر برون زا در مدل وارد می شود.
- ۴ - سیاست دولت در جهت تشویق صادرات کالاها و خدمات ادامه داشته و تا آنجا که ممکن است دولت تسهیلات لازم را در این مورد فراهم می نماید.

ج - معادلات تعادل :

۱ - تعادل در بازار کالاها و خدمات :

با توجه به مفروضات بالا و در نظر گرفتن تابعی خطی برای مصرف. تعادل در بازار کالاها و خدمات بوسیله معادلات زیر بیان میشود :

$$Y + M = C + I + G + X$$

$$C = a Y + b$$

$$0 < a < 1$$

$$I = I(r_0) = I_0 \quad (I)$$

$$G = G_0$$

$$M - X = \rho Y - m p_0 + n \quad \rho > 0, m > 0$$

معادله اول : این معادله معرف تعادل در بازار کالاها و خدمات بوده و نشان می‌دهد که برای اینکه در این بازار تعادل برقرار باشد لازم است که در هر لحظه عرضه کل، که مولفه‌های آن بترتیب عبارتند از : تولید کالاها و خدمات در کشور یعنی Y ، واردات یعنی M ، با تقاضای کل که متشکل است از مصرف C ، سرمایه‌گذاری I ، هزینه‌های دولت و صادرات X با یکدیگر برابر شوند.

معادله دوم : این معادله معرف تابع مصرف است که برای سهولت آنرا بصورت یک تابع خطی در نظر گرفته‌ایم (در غیر اینصورت نیز فقط معادلات مدل پیچیده‌تر میشود این معادله نشان می‌دهد که با افزایش تولیدات و خدمات مصرف نیز افزایش می‌یابد (و برعکس) ولی نه بهمان نسبت.

معادله سوم : همانطور که قبلاً "نیز اشاره شده، چون نرخ بهره نقشی در اقتصاد اسلامی ندارد و مقامات پولی نمی‌توانند از این ابزار برای رسیدن به تعادل استفاده نمایند، ما آنرا بصورت یک متغیر برون‌زا در مدل وارد نموده‌ایم.

معادله چهارم : در اینجا نیز چون هزینه‌های دولت مربوط به بودجه میگردد و آن خود نیز براساس قانون برنامه و بودجه تنظیم و پس از تصویب در هیئت دولت و مجلس شورای اسلامی جهت اجراء به دولت و مقامات ذیربط ابلاغ می‌شود، بنابراین بصورت یک مقدار ثابت که با G_0 نشان داده‌ایم، یعنی بصورت یک داده در مدل وارد شده است.

معادله پنجم : در معادله آخر فرض شده است که کسری حاصله از تجارت خارجی با افزایش تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد (وابستگی اقتصاد)، علاوه بر آن یک

پارامتر جدید P که معرف تغییرات نرخ برابری ارز میباشد در اینجا دخالت میکند. بطوریکه هنگامیکه پول ملی در مقابل پولهای خارجی ارزشش را از دست می دهد یا بعبارت دیگر ارزش پول ملی را کاهش می دهد (یعنی وقتی P افزایش داده می شود) ، تولیدات خارجی نسبت به تولیدات داخلی گرانتر می گردند و در نتیجه کسری تجارت خارجی و یا تفاضل صادرات از واردات کاهش می یابد. آیدین ترتیب وسیله ای ساده برای بررسی سیاست تغییرات برابری نرخ ارز در مدل وارد شده است.

۲- تعادل در بازار پول :

چون به هر صورت نمی توان مشخص کرد که عرضه و تقاضای پول در اقتصادی که نمی خواهد از ابزار نرخ بهره استفاده نماید بچه عامل مشخص و قابل اندازه گیری و کنترلی بستگی دارد ، بنابراین تنها راهی که باقی می ماند آن است که آنها را بصورت متغیرهای برونزا در مدل وارد نمائیم که بهر نحو بصورت پارامترهایی در مدل ظاهر شده و تغییری در نتایج حاصله ایجاد نمی کنند.^۳

۳- تعادل در بازار سرمایه :

تعادل در بازار سرمایه در اقتصاد (یا ترازپرداختها) توسط معادلات زیر بیان می شوند:

$$\begin{aligned}
 M - X + (C_x - C_m) + R &= 0 \\
 M - X &= \lambda Y - mp_o + n \quad (II) \\
 C_x - C_m &= k (r_o) = k_o
 \end{aligned}$$

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲- بعثت افزایش صادرات. رتال جامع علوم انسانی

- ۳- ولی باید توجه داشت که بطور کلی برای اینکه در یک اقتصاد تعادل برقرار باشد لازم است که در عین حال در سه مورد که ما آنها را بازار مینامیم تعادل برقرار گردد:
- بازار کالاها و خدمات (عرضه کل = تقاضای کل)
 - بازار پولی (عرضه پول = تقاضای پول)
 - بازار سرمایه (عرضه سرمایه = تقاضای سرمایه).
- واضح است که در اینصورت تعادل کل در اقتصاد در صورتی برقرار میگردد که در عین حال در هر سه بازار فوق تعادل برقرار شود که در آن صورت تعادل در محل اشتراک این سه تعادل جزء قرار خواهد داشت.

برای تشریح معادلات دستگاه II بهتر است از معادله آخر شروع کنیم :
 در این معادله C_X عبارت است از صدور سرمایه بصورت ارز یا فرار سرمایه (خواه بعلت انتقال ارز توسط خانوارها و یا خرید اسناد مثل سهام شرکت‌های خارجی) C_m عبارت است از ورود ارز خواه سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور و یا خرید اسناد معتبر ایرانی توسط اتباع خارجی .

چون در مفروضات نظام اقتصاد اسلامی نرخ بهره در این تغییرات اثری ندارد و عوامل دیگر نیز قابل اندازه‌گیری نیستند ما آنرا در معادله آخر دستگاه II بصورت مقدار ثابت و یا متغیر برون زا در مدل وارد نموده‌ایم ، که این امر بمعنای آن است که خروج و یا ورود سرمایه ربطی به عوامل اقتصادی قابل کنترل و اندازه‌گیری در داخل کشور نداشته و بلکه بیشتر دستخوش تحولات سیاسی می‌باشد (در حالت معمولی می‌توان تغییرات آنرا با تغییرات نرخ بهره یا سود مرتبط نمود) .

معادله دوم : همانطور که قبلاً " هم اشاره شده معادله دوم دستگاه (II) نشان می‌دهد که با بالا رفتن تولید در داخل کشور واردات ما افزایش می‌یابد و با کاهش آن برعکس کاهش پیدا می‌کند (وابستگی اقتصاد به خارج) ، از طرف دیگر واردات و صادرات کشور در اثر تغییرات نرخ برابری ریال تغییر می‌کند ، بطوریکه اگر ریال در مقابل ارزهای خارجی تنزل داده شود (یعنی p_0 افزایش پیدا کند) ، حجم صادرات افزایش یافته و در نتیجه $(M - X)$ کاهش می‌یابد و برعکس .

معادله اول : معادله اول مبین آن است که منظور از تعادل سرمایه در کشور عبارت است از ثابت نگاه داشتن میزان ذخیره ارزی در سطح معینی مثلاً " در سطح R .

د - معادلات خطوط تعادل :

حل معادلات سیستم I و سیستم II بصورت زیر منجر به دو معادله با دو مجهول Y و R می‌شود که هر یک از آنها به ترتیب معرف تعادل داخلی و تعادل خارجی اقتصاد می‌باشند :

$$Y = \frac{b + I_0 + G_0 + mp_0 + n}{1 + q - a} \quad \text{تعادل داخلی}$$

$$R = \lambda Y_0 + mp_0 - n - k_0 \quad \text{تعادل خارجی}$$

بنابر آنچه که قبلاً در مورد I و G گفته‌ایم معادلات فوق را می‌توان بصورت زیر خلاصه نمود:

$$Y = \frac{A + mp_0}{1 + \ell - a}$$

$$R = -\ell Y + mp_0 - B$$

در معادلات اخیر اجزاء آزاد یا برون‌زای مدل را یکجا بصورت مقادیر ثابت A و B نشان داده‌ایم در اینجا A عبارت است از حاصل جمع جبری پارامترها و یا مقادیر ثابت موجود در معادلات بازار کالاها و خدمات، یعنی:

$$A = b + I_0 + G_0 - n$$

و B عبارت است از حاصل جمع جبری مقادیر ثابت موجود در معادلات بازار سرمایه، یعنی:

$$B = n + k_0$$

هر افزایش و یا بطور کلی هر تغییری که در هر یک از پارامترهای تقاضای کل ایجاد شود، مثلاً "اگر سرمایه‌گذاری یعنی I_0 افزایش پیدا کند و یا دولت تصمیم بگیرد با استقرار از بانک مرکزی و یا بطریق دیگر بر هزینه‌های خود بیافزاید یعنی G_0 را (با فرض ثابت بودن P_0) افزایش‌دهد این افزایش موجب خواهد شد که افزایشی باندازه ΔA در پارامتر A به وجود آید که آن هم بنوبه خود افزایشی را در میزان تولید به اندازه:

$$\Delta Y = \frac{\Delta A}{1 + \ell - a}$$

بوجود می‌آورد، و برعکس در مورد کاهش.

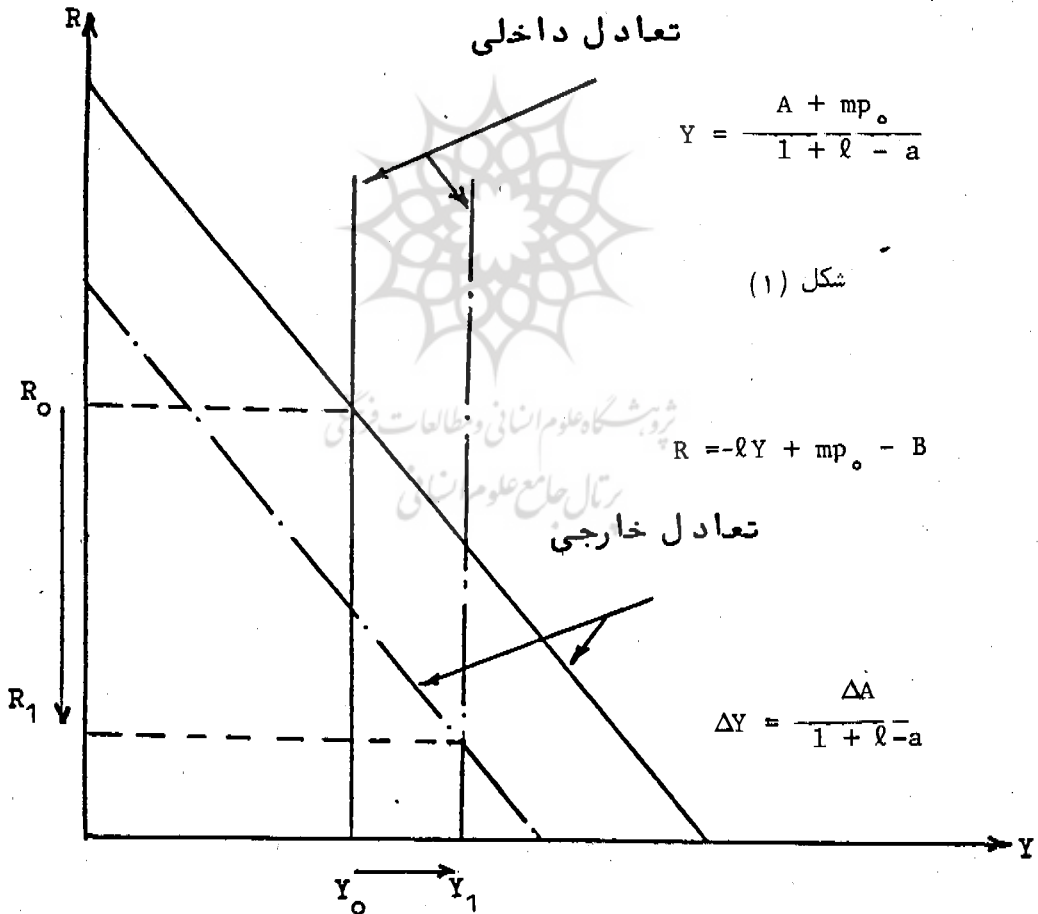
در واقع ضریب افزایش در این مورد در اقتصاد برای متغیرهای برون را برابر $\frac{1}{1+r-n}$ می‌باشد.

با توجه به معادله تعادل خارجی ملاحظه می‌شود که این افزایش موجب خواهد شد که سطح تعادل ذخیره ارزی مملکت باندازه:

$$\Delta R = -\ell \Delta Y = -\frac{\ell \Delta A}{1 + \ell - a}$$

تنزل نماید. این نتیجه در حال حاضر کاملاً "باوضع اقتصادی ما مطابقت دارد. چون بعلت وابستگی اقتصاد چنانچه خواهیم بر تولیدات بیافزاییم ناچار به ارز بیشتری احتیاج خواهد بود.

بهر صورت، چون به دلایل مختلف در حال حاضر دریافتهای ارزی محدود می باشد، در اثر این تغییرات لزوماً "از سطح ذخائر ارزی به میزانی که معین نموده ایم کاسته می شود، و در صورتیکه امکانات ارزی چنین کاهشی را اجازه ندهد نمی توان سطح تولید را ولو با بالا بردن هزینه های ریالی دولت و استقراض از بانک مرکزی افزایش داد. زیرا، ادامه اینگونه سیاستها در چنین حالتی فقط موجبات افزایش هر چه بیشتر تورم را که در حال حاضر در اقتصاد ما بصورت بالا رفتن قیمت ارز و سکه و بالا رفتن قیمت کالا در بازار آزاد و افزایش عرضه کالا با نرخ آزاد، و کمتر شدن عرضه کالاها با نرخ دولتی ظاهر می شود، فراهم می نماید.



واضح است که در اثر این جنبه تورمی، توزیع درآمد و ثروت در جامعه نامتعادل تر شده و سرمایه‌های بیشتری بصورت ارز از مملکت خارج می‌گردد. به آسانی می‌توان نتایج فوق را در شکل (۱) نشان داد.

همانطور که ملاحظه می‌شود، در اثر افزایش یک یا تعدادی از متغیرهای برون‌زا (مثلاً " هزینه‌های دولت G و سرمایه‌گذاری I_0) و یا به گفته دیگر در اثر بالا بردن تقاضای نهایی باندازه A تولید ناخالص داخلی باندازه $\Delta Y = \frac{\Delta A}{1 + \ell - a}$ افزایش می‌یابد، یعنی خط Y_0 بموازات خود باندازه ΔY بسمت راست حرکت نموده و به نقطه Y_1 می‌رسد. همچنین خط R یا خط تعادل خارجی نیز بعلمت تغییر ΔY بموازات خود حرکت نموده و به سمت چپ می‌رود بطوریکه تنزلی که در اثر حرکت آن در R ایجاد می‌شود برابر $\Delta R = \frac{-\ell \Delta A}{1 + \ell - a}$ می‌گردد. حال بپردازیم به مطالعه اثر سیاست کاهش ارزش ریال.

اثر کاهش ارزش پول ملی

همانطور که قبلاً متذکر شدیم، معادله تعادل داخلی یعنی $Y = \frac{A + mp}{1 + \ell - a}$ نشان می‌دهد که در اثر پایین آوردن ارزش پول ملی یعنی بالا بردن مقدار P_0 باندازه ΔP_0 در حالت ثابت بودن سایر عوامل مقدار تولیدات داخلی بعلمت افزایش تقاضای کل در اثر قابل صدور شدن تعدادی از کالاها و خدمات تولید شده در داخل باندازه افزایش می‌یابد.

$$\Delta Y_1 = \frac{m \Delta P_0}{1 + \ell - a}$$

یعنی در شکل (۲) خط Y باندازه ΔY_1 بسمت راست حرکت نموده و به نقطه Y_1 می‌رسد. در عین حال معادله تعادل خارجی یعنی $R = \ell Y + P_0 m_0 + B$ نشان می‌دهد که این خط نیز بعلمت تغییری که در Y و P_0 حاصل شده است بموازات خود بسمت راست حرکت نموده و ظاهراً " موجبات افزایش سطح ذخایر ارزی یعنی R را فراهم می‌نماید. ولی این امر ظاهری است، چون تغییری که این حرکت در R ایجاد می‌کند یعنی ΔR_1 از ΔY_1 کوچکتر است.

$$\Delta R_1 = \frac{-\ell m \Delta P_0}{1 + \ell - a} + m \Delta P_0 \quad ; \text{ زیرا در این صورت داریم:}$$

$$\Delta R_1 = \frac{-\ell m \Delta P_0 + m(1 + \ell - a) \Delta P_0}{1 + \ell - a}$$

$$\Delta R_1 = \frac{m \Delta P_0 (1 - a)}{1 + \ell - a}$$

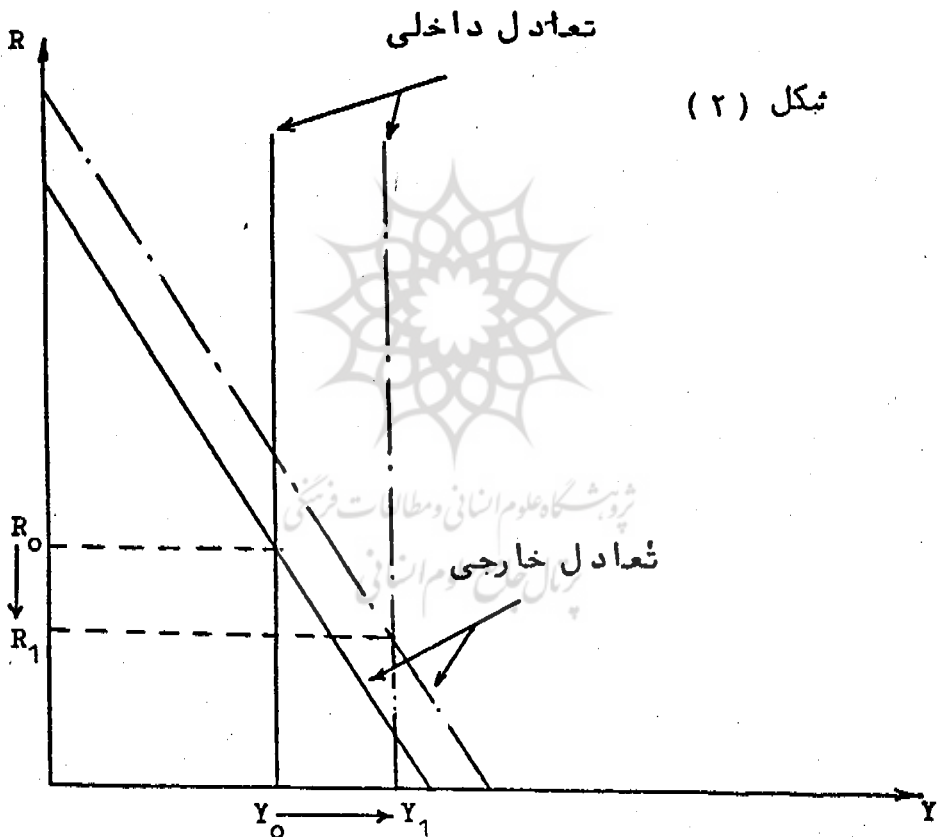
$$\Delta R = \frac{m \Delta P_0 (1 - a)}{1 + \ell - a}$$

چنانچه ملاحظه میشود کسرهای

$$\Delta y_1 = \frac{m \Delta P_0}{1 + \ell - a}$$

در مخرج مشترک می باشند ولی صورت کسر ΔR_1 از صورت کسر ΔY_1 کوچکتر است ، زیرا با در نظر گرفتن مثبت بودن پارامتر a مقدار $m(1-a)$ از مقدار m کوچکتر می باشد. در نتیجه سطح R یعنی سطح ذخیره ارزی کشور از آنچه که قبل از اجرای کاهش ارزش ریال بوده است پایین تر می رود ،

$$R_1 < R_0 \quad \text{یعنی:}$$



$$\Delta Y_1 = \frac{m \Delta P_0}{1 + \ell - a}$$

با توجه به مطالب بالا می توان نتیجه گرفت که :

اگرچه ظاهراً "مهمترین دلیل اتخاذ تصمیم احتمالی در مورد کاهش ارزش پول ملی تامین کسری بودجه دولت، ارتقاء سطح اشتغال و افزایش تولید می تواند باشد ولی همانطور که دیده شد، با اجرای چنین سیاستی در شرایطی که امکان افزایش صدور نفت و تامین ارز کافی موجود نیست، و بعلت عدم امکان جلب سرمایه ها و استفاده از ابزار نرخ بهره نمی توان موجبات دلگرمی سرمایه گذاران و لاقبل جلوگیری از فرار سرمایه ها را فراهم نمود. اجرای چنین سیاستی اثر معکوس خواهد داشت، بطوریکه در اثر تنزل ارزش ریال ظاهراً" و در نظر اول موجبات افزایش اشتغال و بالا رفتن تولید ملی به دلیل بالا رفتن تقاضای کل در اثر افزایش صادرات فراهم می شود، ولی بلافاصله همچنان مریضی که دچار کم خونی شده و با این وجود دست به فعالیت شدید زده است اوضاع اقتصاد ما در اثر کمبود ارز از آنچه که هست بدتر خواهد شد.

درست است که خط R یعنی تعادل خارجی نیز بعلت پائین آوردن ارزش برابری پول ملی بموازات خود بسمت راست حرکت می کند، ولی نه باندازه کافی، چون همانطور که با بررسی ضرایب نشان داریم به علت وابستگی اقتصادی برای افزایش تولید، جهت پاسخگویی به تقاضای نهائی، به میزان ارزی بیشتر از آنچه که در اثر افزایش صادرات حاصل می شود احتیاج خواهد بود. بنابراین یا تولید ملی بالا نمی رود و یا سطح ذخیره ارزی کاهش خواهد یافت. ولی در واقع این دو امر هر دو با هم اتفاق می افتد، یعنی تولید ملی کاهش یافته و ذخیره ارزی نیز بعلت عدم اطمینان و اضافه تورمی که در اثر اجرای این سیاست در این شرایط ایجاد می شود کاهش می یابد.

درواقع با ادامه استقرار از بانک مرکزی و در صورتیکه نفت باندازه کافی صادر شود شاید بتوان موقتا "رشد مختصری ایجاد نمود، ولی بعلت کمبود ارز کافی و بخصوص بالا رفتن هزینه های ریالی دولت تورم بیشتری ایجاد می گردد که مهار کردن آن ارز بیشتری را طلب می کند. بدین ترتیب اقتصاد در یک دور باطل فرو می رود.

با همین روش و استفاده از مدل های پیچیده تر می توان نشان داد که در شرایطی که عوامل فرار سرمایه ها از بین برود و شرایطی فراهم گردد که موجبات جلب سرمایه های خارجی فراهم شود (تغییر سیاست ها) و مقامات پولی قادر باشند از ابزارهای پولی نیز استفاده نمایند تغییرات نرخ برابری پول ملی می تواند بخصوص در شرایطی که عدم اشتغال کامل در اقتصاد وجود دارد، مثل زمان حال، بسیار کارساز باشد و نه تنها اشتغال و در نتیجه تولید ملی را بالا ببرد بلکه حتی اگر مطلوب تشخیص داده شود، بر سطح ذخایر ارزی نیز بیافزاید.

